

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا

(وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا):

(و موسی به شاگرد خود گفت: من همچنان خواهم رفت تا آنجا که دو دریا به هم رسیده‌اند؛ یا می‌رسم یا عمرم به سر می‌آید)

موسی(ع) مهتم جداً بهذه الرحلة.

موسی(ع) برای این سفر اهمیت بسیار زیادی قائل است.

أهمية هذا اللقاء بالنسبة لموسى(ع) كبيرة حيث قرر أنه إما أن يجد العبد الصالح، أو يبقى هائماً على وجهه حتى يهلك.

این دیدار برای موسی(ع) آن قدر اهمیت دارد که وی مصمم شده است یا عبد صالح را بیابد و در این وضعیت، سرگردان بماند تا جان دهد.

اهتمام موسى (ع) الكبير بهذه الرحلة يكشف لنا أهمية لقاء العبد الصالح وأهمية العلم والمعرفة التي سيتلقاها موسى(ع) في هذا اللقاء بالنسبة لموسى (ع).

اهتمام فراوان موسی(ع) به این سفر، به ما نشان می‌دهد که دیدار موسی(ع) با عبد صالح(ع) بسیار حائز اهمیت است و همچنین دانش و معرفتی که موسی(ع) در این دیدار فرا خواهد گرفت نیز برای او بسیار در خور توجه بوده است.

أمر مهم جداً في هذه الكلمات لكل إنسان سائر إلى الله سبحانه وتعالى، وهو أن موسى (ع) ردّد بين أمرين هما:

در این عبارتها، برای هر انسان سیر کننده‌ی به سوی خدا، نکات بسیار مهمی وجود دارد؛ موسی بین دو حالت مردد بود:

الأول: أن يبلغ مجمع البحرين.

اول: مجمع البحرين را بیابد.

والثاني: هو أن يمضي حقباً.

دوم: سال‌هایی دراز سیر کند و راه ببیماید.

ولو لم يكن الاحتمال الثاني ممكن الوقوع لما كان من الحكمة أن يورده موسى (ع) كاحتمالٍ ممكن الوقوع ومساوق للاحتمال الأول، أي إن موسى (ع) خرج ليبلغ مجمع البحرين، ولكن هناك احتمالاً أن لا يبلغ مجمع البحرين، فلا يوجد أمر مقطوع لموسى (ع) أنه سيبلغ مجمع البحرين، وكان بلوغ موسى (ع) إلى مجمع البحرين يعتمد على إخراج موسى (ع)، أي إن امتحان موسى (ع) لم يبدأ عندما التقى العبد الصالح، بل هو بدأ منذ أن وجهه الله إلى أن يجد العبد الصالح ويتبعه ليتعلم منه، وهذا يفسر لنا بوضوح الحدث الأول في الرحلة وهو: إن موسى (ع) مر بالعبد الصالح أو بمجمع البحرين وتجاوزته ثم عاد إليه، ومع أن العبد الصالح كان يعرف موسى (ع) وينتظره في هذا المكان ولكنه لم يصرح له بأنه هو عندما مرّ بقربه، بل تركه يتجاوزته دون أن يتكلم معه؛ لأن موسى (ع) ممتحن بمسألة الوصول إلى العبد الصالح (ع) ومعرفة، ولهذا كان قول موسى (ع) عندما حصلت الآية: (نَسِيًا حُوتَهُمَا) التي دلته على العبد الصالح (ع) (ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغُ)، فكان الذي دل موسى (ع) على العبد الصالح (ع) هو إخلاصه الذي أهله لسماع كلمات الله حتى في فقد سمكة، إخلاصه الذي ظهر جلياً قبل ذلك بقوله (ع): (أَوْ أَمْضِي حُقْباً).

اگر وقوع احتمال دوم، ممکن نبود، موسی (ع) آن را به عنوان یک احتمال ممکن و هم‌تراز احتمال اول، عنوان نمی‌کرد؛ یعنی موسی (ع) برای رسیدن به مجمع‌البحرین بار سفر بست ولی این احتمال هم وجود داشت که وی به مجمع‌البحرین نرسد. هیچ قطعیتی برای موسی (ع) مبنی بر این که حتماً به مجمع‌البحرین خواهد رسید، وجود نداشت. رسیدن موسی (ع) به مجمع‌البحرین، به میزان اخلاص او بستگی داشت. یعنی امتحان موسی (ع)، نه در هنگام ملاقات وی با عبد صالح، بلکه از همان ابتدایی که خداوند او را به پیروی از عبد صالح به جهت علم آموزی از وی مأمور کرد و گسیل داشت، آغاز شد. این نکته، به روشنی اولین رویداد این سفر را به ما

می‌نمایند به این صورت که: موسی(ع) از کنار عبد صالح یا مجمع‌البحرین عبور کرد و از او رد شد سپس به سوی او بازگشت؛ هر چند عبد صالح، موسی(ع) را می‌شناخت و در این مکان منتظر او بود ولی وقتی موسی(ع) از کنارش گذشت، وجود خودش را ابراز نکرد و بدون این که با موسی(ع) سخنی بگوید، او را رها کرد تا از وی گذر کند؛ زیرا موسی(ع) به وسیله‌ی رسیدن به عبد صالح(ع) و با شناخت او، مورد امتحان قرار گرفته بود. از این رو، وقتی موسی(ع) نشانه‌ای را که وی را به عبد صالح رهنمون می‌ساخت (نَسِيًا حُوْتُهُمَا - ماهیشان را فراموش کردند) دید گفت: «(این چیزی است که به دنبالش بودیم)». بنابراین آنچه موسی(ع) را به عبد صالح هدایت کرد، همان اخلاصی بود که وی را بر شنیدن سخنان خدا اهلیت داده بود، حتی اگر (این سخن) گم شدن ماهی باشد. همان اخلاصی که قبل از آن، به روشنی بروز و ظهور یافته بود: «(یا مدت زیادی سپری شود)».

* * *